

## صنعت فلج شده



امیررضا اعتمادی  
پژوهشگر اقتصادی

سیاست‌های تحریمی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، ضربات سنگینی بر بیکر اقتصاد ایران وارد کرده است. این تحریم‌ها، با هدف فلج کردن اقتصاد کشور، بخش‌های کلیدی مانند نفت، پتروشیمی، معدن و فولاد را ششاه گرفته‌اند. در سال ۲۰۱۸، دونالد ترامپ با خروج یک‌جانبه از توافق هسته‌ای (برجام)، سیاست «فشار حداکثری» را علیه ایران اعمال کرد. این سیاست شامل تحریم‌های گسترده‌ای بود که به‌طور مستقیم صادرات نفت، محصولات پتروشیمی، فلزات و سایر صنایع استراتژیک ایران را هدف قرار داد. پیش از اعمال تحریم‌ها، تولید نفت ایران به حدود ۲/۸ میلیون بشکه در روز رسیده بود. با اعمال تحریم‌ها، این رقم به ۲/۱ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. صادرات نفت نیز از ۲/۵ میلیون بشکه در روز به کمتر از ۵۰ هزار بشکه در روز سقوط کرد. این کاهش شدید، درآمد‌های ارزی کشور را به‌شدت تحت تأثیر قرار داد و منجر به افزایش کسری بودجه شد. با کاهش صادرات نفت، ذخایر نفتی ایران به‌سرعت پیر شد. ظرفیت ذخیره‌سازی نفت کشور حدود ۱۰۰ میلیون بشکه برآورد می‌شود. با کاهش صادرات، این ظرفیت به‌سرعت تکمیل شد و ایران مجبور به کاهش تولید نفت شد تا از سرریز شدن ذخایر جلوگیری کند. این وضعیت، علاوه بر کاهش درآمد، به تجهیزات و زیرساخت‌های نفتی نیز آسیب رساند. صنعت پتروشیمی ایران، به‌عنوان دومین منبع درآمد ارزی کشور نیز تحت تأثیر تحریم‌ها قرار گرفت. پیش از تحریم‌ها، ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی ایران حدود ۶۵ میلیون تن در سال بود که برنامریزی شده بود تا سال ۲۰۲۵ به ۱۰۰ میلیون تن برسد اما با اعمال تحریم‌ها، بسیاری از پروژه‌های توسعه‌ای متوقف شد و تولید به حدود ۵۰ میلیون تن در سال کاهش یافت. همچنین، صادرات محصولات پتروشیمی ۲۰ میلیارد دلار در سال به کمتر از ۱۰ میلیارد دلار کاهش یافت. ایران در سال‌های اخیر به یکی از تولیدکنندگان بزرگ فولاد در جهان تبدیل شده بود. تولید فولاد ایران در سال ۲۰۱۷ حدود ۲۱ میلیون تن بود که قرار بود تا سال ۲۰۲۵ به ۵۵ میلیون تن برسد اما تحریم‌ها باعث کاهش تولید به ۱۷ میلیون تن و کاهش صادرات به کمتر از ۵ میلیون تن رسید. این کاهش تولید و صادرات، علاوه بر از دست رفتن بازارهای بین‌المللی، به بیکاری هزاران نفر در این صنعت منجر شد. صنعت معدن ایران، با دارا بودن ذخایر غنی از مس، روی، طلا و سایر فلزات گران‌بها، یکی از بخش‌های مهم اقتصادی کشور محسوب می‌شود. پیش از تحریم‌ها، سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای برای توسعه معادن در حال انجام بود اما با اعمال تحریم‌ها، بسیاری از شرکت‌های خارجی از ایران خارج شدند و پروژه‌های توسعه‌ای متوقف شد. این وضعیت، تولید مواد معدنی را به‌شدت کاهش داد و درآمد‌های ارزی حاصل از صادرات این محصولات را نیز تحت تأثیر قرار داد. کاهش تولید و صادرات در بخش‌های نفت، پتروشیمی، فولاد و معدن، منجر به بیکاری گسترده در این صنایع شد. برآورد‌ها نشان می‌دهد که بیش از ۵۰۰ هزار نفر در این بخش‌ها مشغول خود را از دست داده‌اند. این بیکاری گسترده، نارضایتی عمومی را افزایش داده و به مشکلات اجتماعی متعددی منجر شده است. در حال حاضر که ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده است و دوامه از آغاز دوره دوم ریاست جمهوری او می‌گذرد، ایران با چالش‌های بی‌سابقه‌ای در زمینه روابط خارجی و اقتصادی مواجه است. طی این مدت، ترامپ به صراحت برخی از پیشنهادات مذاکره‌ای همچنین تهدیداتی در رابطه با توافقات جدید با ایران مطرح کرده است. این وضعیت، چشم‌انداز جدیدی برای اقتصاد ایران و سیاست‌های اقتصادی آن رقم می‌زند. دولت ترامپ در دوره اول خود از سیاست‌های «فشار حداکثری» برای مقابله با ایران استفاده کرد اما در این دوره جدید، شاهد پالس‌های مختلفی هستیم که نشان می‌دهند احتمال مذاکره و حتی تغییر رویکردهای سخت‌گیرانه وجود دارد. ترامپ به‌طور مشخص اعلام کرده که آماده است با ایران وارد مذاکرات جدیدی شود، مشروط بر اینکه تهران آمادگی برای انجام تغییرات جدی در سیاست‌های هسته‌ای خود را داشته باشد. این رویکردی می‌تواند مسیر اقتصادی ایران را به‌شدت تغییر دهد. در صورتی که ایران تصمیم بگیرد از مذاکرات با آمریکا خودداری کند، همچنان با تشدید فشارهای تحریمی روبرو خواهد بود. این وضعیت می‌تواند باعث ادامه کاهش درآمد‌های ارزی و آسیب به صنایع کلیدی مانند نفت، پتروشیمی، فولاد و معدن شود. ادامه تحریم‌ها به معنای افزایش مشکلات اقتصادی برای مردم ایران است، از جمله افزایش نرخ تورم، بیکاری، کاهش قدرت خرید و سایر چالش‌های اجتماعی. در صورتی که مذاکرات به نتیجه نرسد و تحریم‌ها کاهش یابند یا رفع شوند، ایران می‌تواند به یک فضای اقتصادی متفاوت وارد شود. با توجه به تاریخچه و تغییرات غیرمنتظره سیاست‌های آمریکا در قبال ایران، این سؤال مطرح است که آیا ایران می‌تواند به آمریکا به‌عنوان یک شریک قابل اعتماد نگاه کند. تجربه نشان داده است که حتی پس از مذاکرات و توافقات، ممکن است آمریکا به‌طور یک‌جانبه تصمیماتی بگیرد که بر روابط و اقتصاد ایران تأثیر منفی بگذارد. بنابراین، ایران باید با احتیاط بیشتری به سیاست‌های آمریکا نگاه کند و در کنار مذاکره، مسیرهای دیگر برای تقویت اقتصاد خود ایجاد کند. اگرچه ایران به‌طور مستقل قادر به مقابله با تحریم‌ها است، اما نیاز به رفع این تحریم‌ها برای احیای واقعی اقتصاد و افزایش توان تولیدی و صادراتی احساس می‌شود.

# خروج بانک ملی از بنگاه‌داری سرعت گرفت

بانک ملی ایران، یک میلیارد و ششصد و پنجاه میلیون از سهام بنگاه‌های زیرمجموعه دیگر خود به ارزش بالغ بر ۱۲ همت از شرکت نیشکر و صنایع جانبی را واگذار کرد



بانکی رخ می‌دهد. به عبارت دیگر، بانک‌ها، مخصوصاً بانک‌های تخصصی، به‌جای آنکه وظایف اساسنامه‌ای خود را در قبال شهروندان انجام دهند، به بنگاه‌داری روی می‌آورند تا ضریب سود خود را به‌طور چشمگیری افزایش دهند. نخستین پیامد این روند چیزی جز افزایش تورم و آسیب به خطوط تولیدی کشور نیست؛ همان‌طور که در سال‌های گذشته بارها شاهد بوده‌ایم جریان تولید سود مولد در ایران به دلیل بنگاه‌داری بانک‌های تخصصی و تخصصی آسیب دیده است. در سالیان گذشته وقتی با توسعه قارچ‌گونه بانک‌ها و مؤسسات مالی در کشور روبه‌رو شدیم، بانک‌ها نیز برای اینکه بتوانند سپرده بیشتری از مردم جذب کنند، سودهای زیادی به مردم پرداخت کرده و وارد یک چرخه معیوب در اقتصاد شدند که باعث مشکلات ویژه‌ای برای اقتصاد ایران و افزایش نقدینگی شد.

علی محمد احمدی کارشناس مسائل اقتصادی در رابطه با بنگاه‌داری بانک‌ها به‌مهر گفت: در نظام بانکداری کشور ما متأسفانه مسیری که نباید طی می‌شد، طی شد. در غالب کشورهای دنیا بانک‌ها واسطه‌وجه هستند یعنی وظیفه تجهیز منابع و در گام بعد توزیع منابع در راستای سرمایه‌گذاری و تقویت تولید را دارند.

وی با بیان اینکه تقویت تولید منجر به تقویت ارزش پول ملی می‌شود اما در کشور ما این چرخه بانکداری به دلایل متعددی معیوب شکل گرفته است، گفت: بانک‌ها به جای انجام وظایف خود، بنگاه‌داری و شرکت‌داری می‌کنند و هر روز به نسبت قبل از وظایف خود فاصله می‌گیرند و همین امر موجب شده است، دارایی‌هایی که فرصت نقدشوندگی دارند با مشکل مواجه شوند.

این کارشناس اقتصادی بیان کرد: موضوع فریز دارایی در تمامی بانک‌های ما علی‌الخصوص بانک‌هایی که حجم بدهی بالایی دارند مشهود است. برای نمونه بانک آینده یا بانک پاسارگاد با حجم بدهی بسیار بالایی روبه‌رو هستند که دلیل آن دقیقاً همان بوده که اینها به جای انجام وظیفه اصلی خود، یعنی هدایت منابع به بخش خصوصی و تقویت تولید، این منابع را در جایی سرمایه‌گذاری کردند که در مسیر تولید واقعی قرار نگیرند. سیستم حاکم در نظام بانکی ما با آنچه در دنیا به عنوان بانکداری رایج و پذیرفته شده است، فاصله بسیار زیادی دارد و بانک‌های ما نه‌توانستند وظایف بانکداری خود را به خوبی انجام دهند و نه‌توانستند به حفظ ارزش پول ملی و تولید به شکل عملیاتی گام بردارند. ما ساختار نظارتی موجود را مقصر اصلی این موضوع می‌دانیم که باید اینها را مدیریت و هدایت و از افزایش بدهی و ورود آنها به بنگاه‌داری جلوگیری می‌کرد که متأسفانه صورت نگرفته است.

### فریز دارایی بانک‌ها در مسکن

اقتصادی که در رکود تورمی است همان اندازه که در بخش تقاضا آسیب دیده در بخش عرضه نیز به شکل جدی آسیب دیده است. اقتصاد ما در شرایطی است که این دارایی‌های فریز شده خریدار آنچنانی ندارند. قوی‌ترین هلدینگ‌های بانک‌ها مربوط به هلدینگ‌های مسکن هستند و شرایطی را ایجاد کردند که منابع به جای اینکه در اختیار بنگاه‌های واقعی تولید و اقتصاد قرار گیرد در اختیار بنگاه‌های خودشان قرار گرفته است.

دولت باید با جدیت به این موضوع ورود کند و بانک‌هایی که بدون برنامه این اقدامات را انجام دادند و منابع کشور را به سمت پروژه‌های بدون بازدهی سوق دادند و منجر به تورم‌بخشی و تورم ملی شدند، پاسخگو باشند. بخشی از این بانک‌ها باید منحل شوند و برخی باید



**بنگاه‌داری بانک‌ها چیزی نیست جز نوعی تجارت پول که در شبکه بانکی رخ می‌دهد. به عبارت دیگر، بانک‌ها، مخصوصاً بانک‌های تخصصی، به‌جای آنکه وظایف اساسنامه‌ای خود را در قبال شهروندان انجام دهند، به بنگاه‌داری روی می‌آورند تا ضریب سود خود را به‌طور چشمگیری افزایش دهند. نخستین پیامد این روند چیزی جز افزایش تورم و آسیب به خطوط تولیدی کشور نیست؛ همان‌طور که در سال‌های گذشته بارها شاهد بوده‌ایم جریان تولید سود مولد در ایران به دلیل بنگاه‌داری بانک‌های تخصصی و تخصصی آسیب دیده است. در سالیان گذشته وقتی با توسعه قارچ‌گونه بانک‌ها و مؤسسات مالی در کشور روبه‌رو شدیم، بانک‌ها نیز برای اینکه بتوانند سپرده بیشتری از مردم جذب کنند، سودهای زیادی به مردم پرداخت کرده و وارد یک چرخه معیوب در اقتصاد شدند که باعث مشکلات ویژه‌ای برای اقتصاد ایران و افزایش نقدینگی شد.**

علی محمد احمدی کارشناس مسائل اقتصادی در رابطه با بنگاه‌داری بانک‌ها به‌مهر گفت: در نظام بانکداری کشور ما متأسفانه مسیری که نباید طی می‌شد، طی شد. در غالب کشورهای دنیا بانک‌ها واسطه‌وجه هستند یعنی وظیفه تجهیز منابع و در گام بعد توزیع منابع در راستای سرمایه‌گذاری و تقویت تولید را دارند. وی با بیان اینکه تقویت تولید منجر به تقویت ارزش پول ملی می‌شود اما در کشور ما این چرخه بانکداری به دلایل متعددی معیوب شکل گرفته است، گفت: بانک‌ها به جای انجام وظایف خود، بنگاه‌داری و شرکت‌داری می‌کنند و هر روز به نسبت قبل از وظایف خود فاصله می‌گیرند و همین امر موجب شده است، دارایی‌هایی که فرصت نقدشوندگی دارند با مشکل مواجه شوند. این کارشناس اقتصادی بیان کرد: موضوع فریز دارایی در تمامی بانک‌های ما علی‌الخصوص بانک‌هایی که حجم بدهی بالایی دارند مشهود است. برای نمونه بانک آینده یا بانک پاسارگاد با حجم بدهی بسیار بالایی روبه‌رو هستند که دلیل آن دقیقاً همان بوده که اینها به جای انجام وظیفه اصلی خود، یعنی هدایت منابع به بخش خصوصی و تقویت تولید، این منابع را در جایی سرمایه‌گذاری کردند که در مسیر تولید واقعی قرار نگیرند. سیستم حاکم در نظام بانکی ما با آنچه در دنیا به عنوان بانکداری رایج و پذیرفته شده است، فاصله بسیار زیادی دارد و بانک‌های ما نه‌توانستند وظایف بانکداری خود را به خوبی انجام دهند و نه‌توانستند به حفظ ارزش پول ملی و تولید به شکل عملیاتی گام بردارند. ما ساختار نظارتی موجود را مقصر اصلی این موضوع می‌دانیم که باید اینها را مدیریت و هدایت و از افزایش بدهی و ورود آنها به بنگاه‌داری جلوگیری می‌کرد که متأسفانه صورت نگرفته است.

با واگذاری سهام بانک ملی ایران از شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و استراتژیک‌ترین هلدینگ‌های کشاورزی و صنعتی کشور، گام مهم دیگری در راستای تحقق سیاست‌های کلان دولت محترم در واگذاری شرکت‌های زیرمجموعه نظام بانکی کشور برداشته شد. پیش از این نیز بانک ملی ایران با واگذاری سهام بانک به ارزش ۶۱ هزار میلیارد تومان و همچنین واگذاری آینده پویا با ارزشی معادل ۵۰ هزار میلیارد تومان، عزم جدی خود را برای خروج عملی از بنگاه‌داری به نمایش گذاشت. بانک ملی در راستای سیاست‌های دولت و تأکیدات رهبری مبنی بر خروج بانک‌ها از بنگاه‌داری، عرضه سهام زیرمجموعه‌های خود را با سرعت پیگیری می‌کند.

ابتدای انقلاب با ادغام ۳۱ بانک کشور به چند بانک دولتی محدود رسیدیم اما بعد از اجرای طرح تعدیل ساختاری و به‌رسمیت شناختن بخش خصوصی تعداد بانک‌های خصوصی هم افزایش پیدا کرد. روند شکل‌گیری بانک‌های خصوصی در دهه ۸۰ شتاب گرفت و در کنار آن مؤسسات پولی و بانکی هم زمینه حضور پیدا کردند و در این بین تعدادی از تعاونی‌ها که قرار بود درون بخشی فعالیت داشته باشند، تابلوی موسسه پولی و بانکی بر سر در خود آویختند. تعداد این مؤسسات که مجوز از رگولاتوری نظام بانکی هم نداشتند به اضافه صرافی‌های غیرمجاز به بیش از هفت هزار موسسه رسید. هر چند در دهه ۹۰ با منحل کردن و ادغام غیرمجازها برای ساماندهی بخش پولی کشور تلاش‌هایی صورت گرفت ولی هم‌زمان آن دسته از بانک‌ها و مؤسسات باقی‌مانده، بنگاه‌داری که از دهه‌های قبل شروع کرده بودند را با سرعت بیشتری ادامه دادند.

بخشی از این بنگاه‌ها به واسطه مطالبات نظام بانکی از صاحبان این بنگاه‌ها، نصیب بانک‌ها شدند و بخش دیگر تحت عنوان سرمایه‌گذاری بانک‌ها به زیرمجموعه آنها منتقل شدند. تعداد بنگاه‌های وابسته وقتی به یک معضل تبدیل شد که نظام بانکی برای گرداندن آنها، منابع بنگاه را از محل سپرده‌های مردم تأمین کردند. تسهیلاتی که نظام بانکی به زیرمجموعه‌های خود پرداخت کرده گاه با سودهای به‌طور غیرمتعارف پایین و گاه بدون سود بوده و برگشت این منابع به بانک هم به سختی و با بهامری ناشدنی تبدیل شد. مجموع این اتفاقات، خروج بانک‌ها از بنگاه‌داری را ضروری می‌کرد. خبرهای اقتصادی چند وقت گذشته را که دوره کنید، با یک بدعت بانکی مواجه می‌شوید: «بانک ملی ایران در سال جاری بالغ بر ۵۰ هزار میلیارد ریال (۵۰ همت) از سرمایه‌گذاری‌های خود را واگذار کرد». همان‌طور که همیشه بنگاه‌داری بانک‌ها می‌توانست یک چاله بزرگ اقتصادی باشد و سرودای منتقدان را در بیاورد، قطعاً این اقدام بانک ملی هم می‌تواند یک دورگردان و پیمپاژ نیرو به اقتصاد ایران تلقی شود که نباید از کنار آن به‌سادگی عبور کرد. نقطه عطف این اتفاق از آن‌رو اهمیت دارد که می‌تواند مناسبات بنگاه‌داری بانک‌ها را تضعیف و از سوی دیگر فضای اقتصادی کشور را به نفع بخش خصوصی تقویت کند. «بانک ملی» بر حسب الزامات قانونی از جمله ماده ۱۶ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور و در راستای دستورالعمل‌های رهبری و سیاست‌های کلان نظام این عمل را انجام داده است، اما ارائه این خبر از آن‌رو اهمیت دارد که می‌تواند یک سرمنشا تاریخی برای آغاز فرایند لغو بنگاه‌داری از سوی سایر بانک‌های کشور تحلیل شود.

### گردش پول در زیرمجموعه‌ها

بنگاه‌داری بانک‌ها چیزی نیست جز نوعی تجارت پول که در شبکه